آتیه نو بررسی کرد

چرا تعاون از اقتصاد سهم کمی دارد؟

احسان احمدی
روزنامه نگار

گزارش

قانون اساسی در کنار بخش‌های دولتی و خصوصی، حوزه تعاون را یکی از پایه‌های اساسی اقتصاد کشور برشمرده است. با وجود این در دهه‌های اخیر به‌واسطه وجود دلایل و موانع مختلف، رشد و سهم‌پذیری واقع‌گرایانه این حوزه از اقتصاد شکل نگرفته و به وضعیتی رسیده که امروز به جای سهم ۲۵ درصدی تعاون از بستر اقتصادی، سهم حدود ۵ درصدی برای آن برآورد می‌شود.

حمید حاج‌اسماعیلی، کارشناس حوزه بازار کار و تولید در گفت‌وگو با «آتیه نو» ضمن تشریح موانع توسعه بخش تعاون که عدم تحقق سهم ۲۵ درصدی مشخص شده این حوزه از اقتصاد را موجب شده، الزامات و ضرورت‌های فعالیت تعاونی‌ها را در راستای افزایش حضور این شرکت‌های مردم‌پایه در اقتصاد توضیح می‌دهد.

حاج‌اسماعیلی با اشاره به اینکه در دهه‌های گذشته در حوزه تعاون و الزامات این بخش اظهارنظرهایی مطرح شده و همواره حداقل از این زاویه به موضوع فعالیت تعاونی‌ها و توسعه این حوزه پرداخته شده است، گفت: «اما به صورت جدی و عملی کار اساسی برای حوزه تعاون در کشور صورت نگرفته است.»

او افزود: «اینکه برخی مسئولان، در دهه‌های اخیر دولت را مانع توسعه بخش تعاون و گسترش فعالیت و نقش‌آفرینی شرکت‌های تعاونی می‌دانند باید مشخص شود که به طور دقیق چه بخش‌ها، اقدامات یا موانعی در این حوزه تعریف شده است.»

این کارشناس حوزه کار بیان کرد: «آسیب‌شناسی مرتبط با بی‌توجهی به بخش تعاون و بی‌نتیجه ماندن پیشرفت شرکت‌های تعاونی در سال‌های گذشته چند مورد را در این راستا مشخص می‌کند. اولین موضوع این است که در دولت‌ها و همه بخش‌های زیرمجموعه نهاد دولت به طور عام، توجه لازم و جدی به بخش تعاون وجود ندارد و این در واقع عامل اساسی به‌شمار می‌رود. به‌رغم شعارها و تلاش‌های مربوط به حوزه تعاون و همچنین موارد تأکید شده قانونی در این بخش به‌ویژه در قانون اساسی، اعتقاد لازم به تعاون در بین مسئولان و مدیران دوره‌های مختلف دیده نشده است.»

او توضیح داد: «تا زمانی که افراد و تصمیم‌گیران و متولیان، درک درستی از جایگاه تعاونی در اقتصاد و قانون اساسی نداشته باشند و تشخیص بایدهای این بخش و الزامات آن را مورد توجه قرار ندهند امکان پرداختن به توسعه تعاون وجود ندارد. با توجه به اینکه عمده کارها و برنامه‌های کلان، به‌ویژه در حوزه اقتصاد و تولید توسط دولت و متولیان مربوطه ساماندهی می‌شود، در صورت نبود اراده لازم دولتی برای گسترش فعالیت بخش تعاون، مردم به تنهایی امکان توسعه آن را ندارند.»

سهم بالای دولت‌ها

این کارشناس حوزه کار اضافه کرد: «همچنان بیش از ۸۰ درصد اقتصاد کشور در اختیار دولت است و حداکثر میزان واگذاری و مشارکت بخش خصوصی و تعاونی ۲۰ درصد برآورد شده و در این بین سهم بخش تعاون در حال حاضر حدود ۵ درصد تلقی می‌شود. به این واسطه و با درنظر گرفتن داده‌های مذکور، برای توسعه فعالیت تعاونی‌ها و افزایش سهم بخش تعاون از اقتصاد، باید هم‌زمان کاهش سهم دولت از اقتصاد را شاهد باشیم. این مهم نیازمند تصمیم و اراده جدی برای واگذاری بخشی از اقتصاد به بخش‌های خصوص و تعاونی است که باید در اولویت باشد. در نقطه مقابل با تمایل دولت‌ها به تصدی‌گری حوزه تولید و اقتصاد، نباید انتظار افزایش سهم بخش تعاون را از اقتصاد داشته باشیم. این مسئله نیز از اولویت‌های توسعه بخش تعاون به‌شمار می‌رود.»

خلأ نظارت و بازرسی

حاج‌اسماعیلی در ادامه بیان کرد: «نکته دیگر اجرایی و عملیاتی نشدن سیستم‌های نظارت و بازرسی‌های مسئولانه از طرف دولت به‌عنوان نماینده حاکمیت در بخش تعاون است. تعاونی‌ها در سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با رونق خاصی به‌ویژه در حوزه روستاها فعالیت داشتند و به مرور به سمت شهرستان‌ها و شهرهای کوچک و بزرگ توسعه یافتند. در این سال‌ها آسیب‌هایی نیز در حوزه فعالیت تعاونی‌ها به‌ویژه در بخش شرکت‌های تعاونی مسکن به مردم وارد شد و دلیل اصلی آن به نبود سیستم‌های نظارتی و بازرسی کارآمد در این عرصه برمی‌گردد.»

این کارشناس حوزه کار افزود: «در حال حاضر همچنان خلأ نظارت و بازرسی بازدارنده در حوزه تعاون احساس می‌شود. در صورت وجود سیستم اشاره شده، از انحرافات لازم جلوگیری به‌عمل می‌آید و سرمایه، حق و سهام مردم در تعاونی‌ها حفظ می‌شود.»

او همچنین تأکید کرد: «دولت‌ها در دهه‌های گذشته امکان صیانت از تعاونی‌ها را عملیاتی نکرده‌اند و به این واسطه آسیب‌های ناشی از وجود سیستم معیوب به مردم و تعاونگران رسیده است؛ امری که مانعی در راه تحقق سهم واقعی بخش تعاون محسوب می‌شود.»

محدود کردن تعاونگران

این کارشناس حوزه کار، مانع دیگر در راه رسیدن حوزه تعاون به سهم ۲۵ درصدی اقتصادی اشاره شده در قانون اساسی را، نگاه ساده و به‌دور از ظرفیت بخش تعاون به این حوزه دانست و گفت: «در این ارتباط نگاه دولت‌ها حداکثر اقدامات توزیعی بخش تعاون را شامل شده و به این واسطه امکان فعالیت‌های تولیدمحور بخش تعاون درنظر گرفته نشده است.»

او ادامه داد: «اگر بناست که بخش تعاون سهم قابل توجهی در اقتصاد ایفا کند، بی‌معناست که فعالیت‌های این بخش را به روستاها و شرکت‌های تعاونی دامداران و عشایر یا صرفاً به فعالیت‌های توزیعی و مصرفی محدود کنیم و از دیگر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های این حوزه غافل باشیم.»

حاج‌اسماعیلی یادآور شد: «تعاون در واقع یک قالب شرکتی است که می‌تواند با جذب و مشارکت گروه‌های مختلف مردمی در بخش‌های مختلف نظیر فعالیت‌های تولیدی، صنعتی، کشاورزی، دامداری، توزیعی و مصرفی فعال بوده و نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری داشته باشد.»

او ادامه داد: «این نگاه تحقیرآمیز و محدوده کننده در دهه‌های اخیر، از دیگر دلایل محدودیت این حوزه و مانعی در راستای عدم تحقق سهم واقعی تعاون از اقتصاد و تولید بوده است. در این وضعیت امکان توسعه تعاونی‌ها در بخش‌های تولیدی و صنعتی وجود نداشته است.»

ضرورت فرهنگ‌سازی و آموزش تعاونی‌ها

این فعال حوزه کسب‌وکار گفت: «در حوزه آموزشی و فرهنگ‌سازی مربوط به بخش تعاون، در دهه‌های گذشته با کم‌توجهی مواجه بوده‌ایم. در واقع اقدامات گسترده آموزشی در حوزه تعاون را می‌توان از خلأهای بخش تعاون دانست. ما باید تعاون را الگوی دموکراسی توسعه بازار کار بدانیم. به این دلیل که در تعاون، مشارکت گسترده مردمی در فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی شکل می‌گیرد و شاهد سهم‌خواهی و توزیع عادلانه ثروت خواهیم بود.»

او با تأکید بر اینکه مشارکت اعضا و سهام‌داران تعاونی‌ها در حق رأی و تصمیم‌گیری مربوط به فعالیت تعاونی را باید یک نوع تمرین دموکراسی محسوب کرد، افزود: «این مهم همچنین حضور مردم در بازار کار را با افزایش مواجه خواهد کرد.

حاج‌اسماعیلی ادامه داد: «آسیب‌شناسی حوزه تعاون در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که تا مشارکت مردم در اقتصاد از طریق تعاونی و بخش خصوصی محقق نشود، بزرگ شدن کیک مردمی ممکن نیست. تصدی‌گری دولت و عدم تحقق توسعه بخش‌های خصوصی و تعاون در حوزه اقتصاد، مانعی در رشد اقتصاد به‌شمار می‌رود.»

او در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «تعاونی‌ها را باید مظهر مشارکت مردمی در حوزه‌های مختلف نظیر اقتصاد دانست. تعاونی بستری برای تجمیع سرمایه‌ها و بروز و ظهور خلاقیت‌ها و توانمندی‌های مردمی در عرصه‌های مختلف اقتصادی است و هر دوی این شرایط شکوفایی اقتصاد و بازار کار را موجب می‌شود. در واقع تجمیع سرمایه‌های مردمی و زمینه ارائه خلاقیت‌های گروه‌های مختلف مردمی را باید امتیاز و وجه تمایز بخش تعاون نسبت به دیگر حوزه‌های فعالیت مردمی نظیر بخش خصوصی و حتی بخش دولتی به شمار آورد.»

این کارشناس بازار کار ادامه داد: «وقتی به لحاظ آموزشی و فرهنگ‌سازی نتوانستیم مزایای بخش تعاون را تعریف، ترویج و تبلیغ کنیم، نباید انتظار توسعه بخش تعاون و تمایل مردم به این سمت را داشته باشیم و در واقع مردم حضور در عرصه تعاونی‌ها را انتخاب نمی‌کنند.»

ضرورت رفع چالش‌های مشارکت مردمی

حاج‌اسماعیلی گفت: «اگر مشکلات و چالش‌های بخش تعاون آسیب‌شناسی شود و برای حل آن‌ها چاره‌اندیشی صورت گیرد، با توجه به تأکیدات قانون اساسی در حوزه سهم بخش تعاون از اقتصاد و وجود دیگر قوانین و مقررات این حوزه، امکان توسعه سهم تعاون از اقتصاد و رشد فعالیت‌های این حوزه را شاهد خواهیم بود.»

او افزود: «فعالیت‌های بخش تعاون با وجود ظرفیت‌های گوناگون و به شرط توجه به توسعه اقدامات این حوزه، در راستای گسترش صادرات نیز تأثیرگذار خواهد بود؛ به‌عبارتی توسعه اقدامات بخش تعاون، ارتباط مستقیمی با گسترش بازار صادراتی به‌ویژه در حوزه تولیدات مختلف صنعتی دارد.»

این کارشناس کسب‌وکار با بیان اینکه تعاونی‌ها ظرفیت کار و فعالیت در بخش‌های خدمات، صنعت، تولید و کشاورزی را دارند، گفت: «اگر تعاون را هم‌راستا با بخش خصوصی ببینیم، امکان بهره‌مندی بیشتر و بهتر از ظرفیت‌های این حوزه وجود خواهد داشت. تعاونی‌ها با حضور هفت نفر شکل می‌گیرد و در این حوزه راه‌اندازی کسب‌وکار، کار گروهی، ارائه و اجرایی کردن خلاقیت‌ها، جمع سرمایه‌های خُرد مالی و انسانی و هم‌فکری و تعامل به‌صورت هم‌زمان عملیاتی می‌شود.»

عملکرد نامناسب در واگذاری‌های اصل ۴۴

این فعال حوزه کسب‌وکار با اشاره به اینکه در حوزه سیاست‌های واگذاری اصل ۴۴ قانون اساسی در دوره‌های مختلف مناسب عمل نشده است، بیان کرد: «به جای اینکه تعاون را به دلیل حضور مردم و دیگر مزایای آن یک امتیاز بدانیم، سهم مردمی برای حضور در عرصه اقتصاد و منابع کشور را نادیده گرفتیم. به این واسطه هدررفت سرمایه‌های کشور و دوری از اقدامات در راستای منافع ملی، خروجی کار شد. مجموعه این اقدامات و رویکردها، تضعیف بخش خصوصی را به دنبال داشت که در بخش اشاره شده، این روند قابل مشاهده است.»

او همچنین توضیح داد: «بنگاه‌های مختلف در قالب واگذاری‌های اصل ۴۴ به افراد دارای اهلیت واگذار نشد و از ظرفیت بخش تعاون در این ارتباط غافل شدیم. به‌واسطه موارد مذکور، نحوه اجرای واگذاری بنگاه‌ها در چارچوب قانون اساسی را نیز باید مانعی در راستای رشد سهم تعاون از اقتصاد دانست.»

اولویت‌های دولت چهاردهم

حاج اسماعیلی گفت: «دولت چهاردهم باید راهکارهای متعدد را برای مشارکت مردم در اقتصاد درنظر بگیرد که یکی از این سازوکارها، بخش تعاون و ظرفیت‌های مغفول‌مانده این حوزه محسوب می‌شود. تعاون واقعاً یک ایده بسیار قدیمی و در عین حال کارآمد است و حتی کشورهای آمریکایی و اروپایی نیز از این بستر برای توسعه اقتصاد و تولید بهره‌مند می‌شوند. البته تعاون را در این مناطق باید یک بستر موفق به‌شمار آورد.»

او در ادامه توضیح داد: «تعاون باید از نگاه مصرفی و توزیعی فاصله گرفته و در چارچوب فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی و صنعتی گستره فعالیت فراوانی داشته باشد. فعالیت شرکت‌های تعاونی در اروپای غربی و آمریکا نمونه‌ای برای توفیق در این حوزه محسوب می‌شود.»

این کارشناس بازار کار اضافه کرد: «امیدواریم بخش تعاون با انتخاب مدیران لایق و اشاعه رویکرد و تفکر تحولی در دولت چهاردهم شاهد تغییراتی باشد و در عین حال راهکارهای عملی برای توسعه حوزه تعاون نیز در دستور کار دولت قرار گیرد.»

قراردادهای سفیدامضا، ناقض امنیت شغلی کارگران

ایلیا پیرولی
روزنامه نگار

گزارش

بر اساس داده‌های غیررسمی، بخشی از قراردادهای کار بین نیروی کار و کارفرما، بدون توجه به قوانین و مقررات حوزه روابط کار و به‌صورت سفیدامضا بسته می‌شود. در این حوزه بیشتر قراردادهای مذکور برای زنان شاغل مورد استفاده قرار می‌گیرد.

گزارش‌ها حاکی است که بیشترین گستردگی قراردادهای سفیدامضا در حوزه فعالیت کارگاه‌های کوچک و متوسط اتفاق می‌افتد. با استناد به آمار حدود ۸۵ درصدی بنگاه‌های خُرد از مجموع کارگاه‌های فعال کشور، بازرسی، نظارت و برخورد مبتنی بر قانون در این حوزه دشوار است.

در کنار آمار بیش از ۹۶ درصدی ثبت قراردادهای کار به‌صورت موقت و کوتاه‌مدت، قراردادهای سفیدامضا نیز در این چارچوب دسته‌بندی می‌شود به این واسطه این نوع قراردادها بخشی از چالش‌های امنیت شغلی نیروی کار محسوب می‌شوند.

کارشناسان، برداشت‌های غیرواقعی از برخی مقررات حوزه کار را زمینه‌ساز برقراری و توسعه قراردادهای کوتاه‌مدت می‌دانند. قراردادهای سفیدامضا در این حوزه از بدترین نوع قراردادها و کاملاً خارج از چارچوب قانون به شمار می‌روند.

لایحه اصلاح قانون کار

نهایی‌شدن لایحه مرتبط با امنیت شغلی با نام «لایحه اصلاح قانون کار» و قرار دادن موضوعاتی با ماهیت پیشگیری از قراردادهای سفیدامضا، از اقداماتی است که در حوزه ساماندهی قراردادهای کار به‌ویژه قراردادهای کار سفیدامضا انجام شده است. بر اساس اعلام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در لایحه مذکور دائمی شدن قراردادها، امنیت شغلی و پیشگیری از امضای قراردادهای سفیدامضا مورد توجه قرار گرفته است.

موضوع امنیت شغلی و تحقق آن را می‌توان در کنار دستمزد عادلانه، توسعه ایجاد تشکل‌های کارگری و اجرای قانون کار از مهم‌ترین مطالبات حوزه کار محسوب کرد. مسئله گسترش امنیت شغلی نیروی کار نیز در این چارچوب قرار می‌گیرد.

فتح‌الله بیات، رئیس اتحادیه کارگران پیمانی و قراردادی کشور در گفت‌وگو با «آتیه نو» در ارتباط با تحقق موضوع امنیت شغلی نیروی کار و بهبود وضعیت قرارداد کارگران بیان کرد: «بهبود وضعیت معیشت نیروی کار ارتباط مستقیم با نوع قرارداد کار و امنیت شغلی جامعه کارگری دارد.»

این کارشناس حوزه کارگری با بیان اینکه در حال حاضر بالغ بر ۹۶ درصد کارگران با قراردادهای موقت مشغول به کار هستند، افزود: «در بسیاری از کارگاه‌ها، مدت قراردادهای کارگران یک‌ساله، سه‌ماهه یا حتی یک‌ماهه است و در این شرایط، تأمین امنیت شغلی در اولویت مطالبات قرار دارد.»

قرارداد دائم در کارهای مستمر

بیات با تأکید بر اینکه در کارهای با ماهیت مستمر، قرارداد کارگران باید مستمر باشد، اضافه کرد: «تمرکز اصلی لایحه امنیت شغلی بر مواد ۷، ۱۰، ۹ و ۲۷ قانون کار استوار است.»

او در ادامه با اشاره به اینکه ماده ۷ قانون کار نیز ماده اصلی در تعیین میزان امنیت شغلی جامعه کارگری به‌شمار می‌رود، توضیح داد: «این ماده قانونی قراردادهای شغلی کارگران را این‌گونه تعریف کرده است: قرارداد کار عبارت است از قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حق‌السعی، کاری را برای مدت موقت یا غیرموقت برای کارفرما انجام می‌دهد.»

همچنین در تبصره یک ماده مذکور آمده است: «حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آن‌ها جنبه غیرمستمر دارد، توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیئت‌وزیران خواهد رسید اما براساس متن تبصره ۲ در کارهایی که طبع آن‌ها جنبه مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می‌شود.»

در این بند از قانون، عبارت «درصورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود» مورد انتقاد فعالان کارگری است؛ چراکه دادن مجوز قانونی به کارفرما که قرارداد کارگران مشاغل مستمر را مدت‌دار و موقت کند، موجب رواج قراردادهای موقت شده و امنیت شغلی نیروی کار را سلب کرده است. امیدواریم با برطرف کردن ابهام ماده ۷ قانون کار و الزام به عقد قراردادهای دائم در مشاغل مستمر، امنیت شغلی از دست رفته کارگران به آن‌ها بازگردد.»

یادداشت

رشد تعاونی‌ها و افزایش سرانه ثروت

مرتضی برکاتی
کارشناس حوزه کار و تولید

تعاونی‌ها از طریق اجازه دادن به اعضای خود، برای مالکیت و مدیریت دسته‌جمعی مشاغل می‌توانند به کاهش استثمار نیروی کار که اغلب با شرکت‌های بزرگ‌تر مرتبط است، کمک کنند. در یک تعاونی، ارزش اضافی تولیدشده توسط نیروی کار، به‌جای اینکه به‌عنوان سود توسط مالک سرمایه‌دار استخراج شود، بین اعضا توزیع می‌شود؛ این می‌تواند دستمزد عادلانه، شرایط کاری بهینه و توزیع مناسب‌تر ثروت را برای اعضای تعاونی به ارمغان آورد.

ریشه و خاستگاه تشکیلاتی تعاونی‌ها را باید در جوامع محلی جست‌وجو کرد. در این جوامع، تشکیل تعاونی واسطه‌ای برای توسعه جامعه و تاب‌آوری اقتصادی تلقی می‌شود. در واقع تعاونی‌ها اصول همبستگی و کمک متقابل را که در تضاد با فردگرایی رقابتی است، تمرین می‌کنند؛ گزاره‌ای که احمد میدری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی آن را با گفته زیر تأیید می‌کند: «اگر بتوانیم تعاونی‌ها را احیا کنیم، محله‌ها دوباره زنده می‌شوند و ارتباطات در ادارات و جاهایی که انسان‌ها با هم ارتباط دارند، شکوفاتر می‌شود.» براساس گفته وزیر کار، دولت خواهان رشد تعاونی‌ها از طریق محلات است و با این کار روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و سهم فعلی ۵ درصدی تعاونی‌ها در اقتصاد نیز افزایش می‌یابد.

تعاریف و دیدگاه‌های مختلفی در ارتباط با کارکرد تعاونی‌ها وجود دارد که با توجه به ساختار سیاسی و اقتصادی دولت‌ها در جهت توسعه اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال ریشه‌شناسی و کارکرد اصلی شرکت‌های تعاونی‌ها نشان می‌دهد که این سازوکارهای تشکیلاتی اغلب به‌عنوان ابزاری برای توانمندسازی شهروندان در مسیر تولید و توسعه محصولات و خدمات در نظر گرفته می‌شود.

در مدل سرمایه‌داری سنتی، تصمیمات اغلب توسط گروه کوچکی از مالکان یا سهام‌داران گرفته می‌شود که نابرابری در توزیع قدرت و ثروت را در پی دارد اما در این دیدگاه تعاون‌محور، تعاونی‌ها مالکیت و تصمیم‌گیری را بین همه اعضا تقسیم می‌کنند و هدف آن‌ها توزیع عادلانه‌تر منابع و منافع است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تعاونی‌ها، کنترل دموکراتیک بر امور است که در آن هر یک از اعضا در فرآیند تصمیم‌گیری، حق رأی یکسانی دارند. بنابراین می‌توان گفت شیوه حکمرانی تعاونی‌ها راهی برای ترویج نظام راهبری مشارکتی و به چالش کشیدن اقتدار سلسله‌مراتبی است. براساس نظرات کارشناسان، تعاونی‌ها به‌ویژه شرکت‌های تعاونی تولیدی و خدماتی در چنین شرایطی باید با استفاده از تجمیع سرمایه‌های اندک و حمایت و تسهیلات دولتی فرآیند تولید و رشد اقتصادی را سرعت دهند که این مسئله ایجاد اشتغال را تسهیل خواهد کرد. در واقع توسعه تعاونی‌ها، امکان جذب سرمایه‌های راکد و کوچک را فراهم کرده و جوانان جویای کار بدون سرمایه با مشارکت در این حوزه، به‌عنوان کارآفرین امکان اشتغال‌زایی را به دست می‌آورند. کارشناسان معتقدند شرکت‌های تعاونی این امکان را دارند که با ایفای نقش به‌عنوان سهام‌داران اصلی در مسیرهای ملی تحول، در جهت پایداری تاب‌آوری، سیستم‌های غذایی فراگیر و بهبود امنیت غذایی جهانی مشارکت مهمی داشته باشند. همچنین کاهش مداخله دولت و همکاری بخش خصوصی از جمله اصناف با بخش تعاون در چارچوب یک همکاری در راستای توسعه، می‌تواند زمینه مناسبی برای ارتقای بخش تعاون ایجاد کند. در حال حاضر با تدوین و اصلاح سند توسعه بخش تعاون جای امیدواری هست که دیگر این بخش درگیر بوروکراسی نشود و راه رشد آن هموار شود. سند مذکور در جهت رشد تعاونی‌ها برای حدود ۲۷ نهاد حاکمیتی کشور از امنیت غذایی تا افزایش مشارکت مردمی در اقتصاد و مسئولیت اجتماعی تعیین تکلیف کرده است. سند توسعه بخش تعاون در دولت دهم تدوین و تصویب شد اما در دولت یازدهم و دوازدهم اجرا نشد. این سند در دولت سیزدهم دوباره بازنگری، مصوب و ابلاغ شد. بر اساس این سند نهادها برخی وظایف خود را واگذار یا بعضی برنامه‌ها را حذف می‌کنند. به‌عنوان مثال بر اساس این سند قرار است ۴۰ درصد کالاهای استفاده شده در حوزه تنظیم بازار از طریق شبکه تعاون توزیع شود. در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به تحولات حوزه فعالیت تعاونی‌ها، این شرکت‌های تولیدی، خدماتی و اقتصادی در دور جدیدی از حیات خود شاهد توسعه خواهند بود. ایجاد شبکه‌های مردمی و کاهش دخالت دولت و اجرای سند توسعه تعاون، گویای این موضوع است که سهم تعاون از ۵ درصد کنونی در اقتصاد ارتقا یابد و به سمت تحقق سهم ۲۵ درصدی مشخص شده در قانون اساسی حرکت کند.